

# کردستان

ارگان کهنه مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۰۲ - چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۶، ۳۱ ژوئن ۲۰۱۷، ۵۰۰ تومان

در باب استقلال کردستان

۶ص

نگاهی به کارنامه نزدیک به

۴۰ سال

شکست اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

۴ص

تیلرسون:

سیاست ما حمایت از تغییر رژیم ایران است

۳ص



"آسیملسیون فرهنگی"  
پروژه‌ای برای نابودی کوردها

۷



هویت عاملان حملات تروریستی  
تهران، یک مساله

۵



ترقه‌بازی،  
بهبانای حکومت وحشت

۴



حزب دمکرات کردستان ایران:  
تصمیم به اعلام استقلال تصمیمی تاریخی و مهم است

۲

www.kurdistanmedia.com

سخن

وحشت از  
ترقه‌بازی

کریم پرویزی

سپاه پاسداران رژیم اسلامی ایران روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد اعلام کرد که افراد دستگیر شده توسط عربستان هیچ وابستگی به سپاه پاسداران ندارند و یک روز پیش از آن نیز اعلام کرده بود که با پرتاب موشک به "دیرالزور" در سوریه - به گفته خودشان - مواضع تروریست‌ها را در سوریه هدف قرار داده‌اند. عربستان روز دوشنبه اعلام کرد که چند قایق سپاه پاسداران که به سکوی نفتی مرجان متعلق به این کشور در خلیج نزدیک شده بودند، با شلیک نیروهای این کشور متوقف و طی آن توانسته‌اند چند پاسدار را بازداشت کنند و دو قایق دیگر متواری شده‌اند! خبرگزاری‌های بین‌المللی نیز روز دوشنبه اعلام کردند که مواضع اپوزیسیون در "دیرالزور" سوریه مورد حمله موشکی قرار گرفته است و راه را برای حمله زمینی به نیروهای بشاراسعد باز کرده است. وقوع این اتفاقات هم زمان است با منهدم کردن هواپیمای سوری توسط نیروهای آمریکایی و لغو تفاهم‌نامه خط ارتباطی ویژه با آمریکا از سوی روسیه در منطقه جنگی سوریه. این تغییرات نظامی و امنیتی در میادین جنگ در خاورمیانه چنان به سرعت روی می‌دهند که آتش جنگ را شعله‌ورتر کرده‌اند. اگر از شتاب وقوع حوادث بکاهیم و با دقت بیشتری تحولات مذکور را پیگیری کنیم، واقعیت‌هایی در میدان رقابت قدرت نمایان می‌شوند که لازم است نادیده گرفته نشوند. در تهران، امنیت پوشالی رژیم اسلامی و لاف و کزاف‌های سپاه پاسداران به خطر افتاده و "ارامبو" جمهوری اسلامی که هر روز در جایی از عراق و سوریه عکس‌هایش را منتشر می‌کنند که گویا امنیت حرم‌ها را حفظ می‌کند، به بادکنکی توخالی تبدیل شد و نتوانست امنیت مجلس و قبر بنیانگذار رژیمشان را حفظ کند. خامنه‌ای که هیبت دروغین‌اش به خطر افتاد، دست به گزافه‌گویی زیاده‌تری زد که گویا می‌خواهند جنگ نهایی و سرنوشت‌سازی با تروریسم داشته باشند، این در حالی‌ست که تروریسم چه

## جنبش کردستان با توطئه‌های رژیم خدشه‌دار نمی‌شود



فعلان سیاسی و دگراندیشان به ویرانه ملیت‌های تحت ستم ایران و اقلیت‌های دینی به بهانه‌ی وابستگی به دشمنان خارجی ... بیش از پیش افزایش می‌یابد. در بخش دیگری از این بیانیه، به وقایع تهران اشاره شده و متذکر می‌شود که: وقایع تهران در روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ شمسی برابر با ۷ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی و هجوم به مجلس شورای اسلامی ایران و قبر خمینی، بهانه‌ای مناسب و فرصتی بود تا رژیم با بهره‌گیری از آن اعمال تروریستی خود را لاپوشانی و در همان حال به فشار بر مخالفین و منتقدین داخلی تحت لوای مقابله با تندروی بیفزاید. این در حالی‌ست که رژیم اسلامی ایران خود یکی از اصلی‌ترین بنیانگذاران و حامیان گروه‌های تروریستی در منطقه است.

محمک کردن رفتارهای خودسرانه و بازداشت و زندانی کردن شهروندان اعلام کرد: در این مدت جمهوری اسلامی برای منحرف کردن افکار عمومی و جلب نظر عموم، به ویژه ملیت‌های ایران به مسائل حاشیه‌ای و عدم توجه به مشکلات داخلی که محصول سیاست‌های رژیم است، با طراحی تعدادی سناریو و یا بهره‌گیری از مجموعه‌ای از رویدادها، سعی بر آن داشته مشکلات و شکست‌های موجود را به منبعی خارجی منتسب کند و با هراس‌پراکنی در میان مردم مانع از ابراز ناراضی و شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی به این بهانه که در شرایط فعلی زمان اعتراض به رژیم و مشکلات بی‌شمار مردم نیست بلکه وقت انسجام و اتحاد در برابر دشمنان اسلام و ایران است و در این فضای ایجاد شده خشونت، سرکوب و بازداشت

علی خامنه‌ای در سخنانی سرشار از کینه و انزجار نسبت به آزادیخواهان و خطاب به نیروهای وابسته به بیت رهبری و بعد از گذشت ۲۸ سال از فتوای جهاد خمینی علیه ملت کرد، بنا به متد جدیدی فتوای جهاد صادر کرد و به مانند مشخص کردن مسیر برای تروریست‌های وابسته به رژیم، از آن‌ها خواست که مستقیماً و با استقلال تام به میدان آمده و موضع بگیرند. این سخنان پر از کینه‌ی خامنه‌ای که در روز ۱۷ خرداد در دیدار با به اصطلاح دانشجویان پیرو بیت بیان شده است، نشان دهنده‌ی بازتولید دوباره تفکر ضدبشری ایجاد ترس و وحشت و احیای فرمان پلید جهاد خمینی در سال ۱۳۵۸ شمسی علیه ملت کرد و سنگر آزادیخواهی ایران می‌باشد. در همین ارتباط حزب دمکرات کردستان ایران طی بیانیه‌ای علاوه بر

بودند، تلاش‌های مذبوحانه‌ی رژیم در بهره‌گیری از فرصت پیش آمده بعد از این وقایع است. جمهوری اسلامی که آتش بنیادگرایی دامن او را نیز گرفته است با تمام توان خود در تلاش است تا از این واقعه بهره کامل را برده و به این بهانه دست به بازداشت‌های خودسرانه و حذف مخالفین داخلی خود به ویژه فعالین مدنی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی کرد و بلوچ و عرب زده و آن‌ها را به اتهام ارتباط با گروه‌های تروریستی در زندان افکند. بلافاصله بعد از رویدادهای تهران، نیروهای سرکوبگر سپاه و وزارت اطلاعات رژیم در بسیاری از شهرهای کردستان و مناطق دیگر ملیت‌های ایران، تحت فتوای "آتش به اختیار" علی خامنه‌ای، افراد زیادی را دستگیر کردند که تا کنون سرنوشت بخش اعظم آن‌ها در هاله‌ای از ابهام است.

وقایع روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ شمسی در تهران و حمله به مجلس رژیم اسلامی ایران و قبر خمینی با ۵۴ کشته و زخمی به پایان رسید. برخی از ناظران سیاسی این رویداد را مواجهه‌ی تروریسم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران با سلفی جهادی و داعش دانسته‌اند. گروه‌هایی که از سوی جمهوری اسلامی حمایت می‌شدند و پیشتر نیز گروه‌های بنیادگرا با آگاهی و تحت نظارت سازمان‌های امنیتی-اطلاعاتی رژیم تقویت می‌گردیدند و حتا از سوی نهادهای رژیم بستر مناسبی برای رشد آن‌ها مهیا می‌شد تا جوانان کرد را به بیراهه کشانده و برای انجام عملیات‌های انتحاری به افغانستان و عراق و سوریه و ... بفرستند. نکته‌ی قابل تامل که عادت همیشگی رژیم است و اکثر جناح‌های سیاسی و فعالین حقوق بشری نیز در این مورد هشدار داده

ادامه در صفحه‌ی ۲



## حزب دمکرات کردستان ایران: تصمیم به اعلام استقلال تصمیمی تاریخی و مهم است

حقوق و کسب آزادی فرزندان کرد در هر قسمت از کردستان بوده و هست و در هر مقطعی از تاریخ به اراده و خواست و آمال‌هایشان احترام گذاشته است. با این آرزو که فرزندم در کردستان عراق با موفقیت تمام و یکپارچگی هرچه تمام‌تر به مانند وظیفه‌ای ملی پیش رود و نتیجه‌ی آن تضمینی بر تحقق و حفظ منافع کرد و حقوق و آزادی‌هایش باشد.

حزب دمکرات کردستان ایران  
دفتر سیاسی  
۲۰ خرداد ۱۳۹۶ خورشیدی  
۱۰ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی

و آنچه که از صندوق بیرون می‌آید نشان‌دهنده خواست همه فرزندان ملت کرد در اقلیم کردستان عراق و مناطق کردستانی خارج از آن است. در همین راستا حزب دمکرات کردستان ایران که فرزندم برای حق تعیین سرنوشت را حق مسلم و انکارناپذیر کرده‌ها در کردستان عراق دانسته و برگزاری آنرا وظیفه‌ای تاریخی به شمار می‌آورد، از تمامی اعضا و حامیان خود می‌خواهد که حامی و یاری دهنده‌ی به ثمر نشستن این تصمیم تاریخی و ملی خواهران و برادران خود در کردستان عراق باشند، همانگونه که حزب محبوبشان همیشه و در هر حالتی پشتیبان و حامی احقاق

تعهدی ملی در راستای تشویق تک تک افراد جامعه در مشارکت در این تصمیم تاریخی و سرنوشت ساز گام بردارند تا حضور چشمگیر شرکت‌کنندگان و رای دهنده‌گان به این موضوع ملی در مقیاس اهمیت این تصمیم تاریخی باشد، امری که چه دوستان و دلسوزان کرد و چه دشمنان کرد هر کدام به نحوی چشم به آن دوخته‌اند. لازم است که کرد در چنین شرایطی برای این هدف همبستگی و اتحاد خود را نشان دهند به نحوی که نتیجه این همه‌پرسی به جامعه جهانی اثبات کند که فرزندم مذکور بیانگر اراده‌ی همه جریان‌ها و خواست همه شهروندان کرد بوده

بر اینکه این تصمیم را به عنوان تصمیمی تاریخی و قدمی مهم و حق مسلم در راستای مشخص کردن حق تعیین سرنوشت این بخش از کردستان عراق به شمار می‌آورد، پیام تبریک خود را به ریاست کردستان عراق و احزاب و جریان‌های سیاسی و مردم کردستان عراق تقدیم می‌کند و تصمیم و اراده خواهران و برادران خود را در این قسمت از کردستان محترم می‌شمارد و امیدوار و خوهان آن است که آحاد ملت کرد در کردستان عراق، به دور از هرگونه تنش سازمانی به نحو احسن از این فرصت تاریخی بهره برده و تمامی جریان‌ها و جناح‌ها نیز مانند

روز چهارشنبه برابر با ۲۰۱۷/۶/۱۷ میلادی در جلسه‌ای ویژه و با حضور اکثر احزاب و جناح‌های سیاسی کردستان عراق و همچنین مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، سرانجام با موافقت همه حاضرین در جلسه، روز ۲۰۱۷/۹/۲۵ میلادی به عنوان روز برگزاری همه‌پرسی مشخص گردید. در همین جلسه، نحوه برگزاری فرزندم و هیئت لازم برای انجام این امر مشخص گردید و به این شیوه به انتظارات پایان داده شد و فرزندم به عنوان حقیقت انکارناپذیر و ضرورتی تاریخی مهر تأیید بر آن زده شد. حزب دمکرات کردستان ایران علاوه

**دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، در ارتباط با تصمیم حکومت اقلیم کردستان عراق در برگزاری فرزندم اعلام استقلال، بیانیه‌ای منتشر کرد.**

### متن بیانیه:

بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با برگزاری فرزندم در کردستان عراق پس از مدت‌ها بحث و تبادل نظر در ارتباط با لزوم برگزاری فرزندم و مراجعه به آرای فرد و مناطق کردستانی خارج از اقلیم کردستان عراق، برای تعیین سرنوشت آن بخش از کردستان،

## نیروهای انتظامی تحصن ساکنین روستاهای

### "آق دره" را به خشونت کشیدند

امنیت ملی مواجه خواهیم شد." نیروهای انتظامی به معترضان این تجمع مسالمت‌آمیز یورش و زنان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. گزارشات منتشره از بازداشت چندین تن از ساکنین این روستاها از سوی نیروهای حکومتی خبر می‌دهند. گفته می‌شود، شماری از بازداشت‌شدگان پس از بازجویی و اخذ تعهد کتبی آزاد شده‌اند. معدن طلای آق دره در ۳۰ کیلومتری شهرستان تکاب و ۱۵ کیلومتری مجموعه میراث فرهنگی و گردشگری تخت سلیمان در جنوب آذربایجان غربی واقع شده و بعد از معدن موته اصفهان به عنوان دومین معدن طلای کشور و یکی از معادن بزرگ طلای خاورمیانه محسوب می‌گردد.

و بیکاری در این معدن دست به تجمع زده بودند با یورش نیروهای انتظامی مواجه شدند. نیروهای انتظامی با توسل به زور به این تجمع مسالمت‌آمیز بیست روزه ساکنین روستاهای "آق دره" پایان دادند. یکی از ساکنین "آق دره" به آژانس موکریان اعلام کرده است: "ما به نشانه اعتراض به بیکاری شدید، از بین رفتن مراتعمان و قراردادهای فصلی، دست به تحصن زدیم. اعتراض ما مسالمت‌آمیز و خواسته‌هایمان برحق است. در روزهای گذشته چندین نفر از ما به اداره اطلاعات سپاه فراخوانده شده بودند و تهدید شده بودند که در صورت ادامه تحصن با اتهام اقدام علیه

نیروهای انتظامی حکومت ایران با یورش به ساکنین معترض روستاهای "آق دره" از توابع شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی، شماری از معترضان از جمله چندین زن را زخمی و شماری را نیز بازداشت کردند. به گزارشات رسیده، عصر روز پنج‌شنبه بیست و پنجم خردادماه، شماری از ساکنین روستاهای "آق دره علیا"، "آق دره سلفی" و "آق دره وسط" واقع در مجاورت معدن "آق دره" تکاب که در اعتراض به بکارگیری کارگران غیروومی



ادامه سخن

از نوع شیعی آن و چه سنی‌اش از سوی جمهوری اسلامی حمایت و گسترش می‌یابد. اما رویدادهای منطقه‌ای بیانگر چیز دیگری است و تنها در سطح حملات به مجلس و قبر خمینی و واکنش‌های مرتبط به آن محدود نمی‌باشد، بلکه نشان از تغییر قدرت در منطقه است. بعضی از منابع سخن از آن می‌گویند که گویا موشک‌هایی که سپاه پاسداران به دیرالزور شلیک کرده، در حقیقت از پایگاه موشکی روسیه در همدان پرتاب شده و جوابی به حمله آمریکا به هواپیمای سوری بوده و به نیروهای اسد کمک کرده تا به مرزهای عراق نزدیک تر شوند. قطعات این پازل در خاورمیانه کم‌کم در حال تکمیل شدن است، کشورهای عربی قطر را تحت فشار قرار داده‌اند که با آنها در یک راستا باشد، سطح تنش امنیتی و نظامی مابین عربستان و ایران افزایش می‌یابد، در سوریه نیروهای آمریکایی مستقیماً به نیروهای اسد حمله می‌کنند، جنگ موصل روبه پایان است و مشکل کرد و شیعه در عراق پیش آمده، زمان برگزاری فرزندم مشخص می‌شود، جمهوری اسلامی بهانه پیدا می‌کند تا کردستان ایران را در زیر پوتین‌های پاسداران خفه کند و از ترس ترقه بازی احتمالاً انبار مهمات در کردستان منفجر کند و... وقتی تصاویر کلی را در کنار هم قرار دهیم و نگاهی عمیق به تصویر نهایی بیندازیم، آنگاه حرف‌های ریک تیلرسن به خاطر می‌آید که گفت: استراتژی سیاسی خود را در خاورمیانه تغییر خواهیم داد و به تغییر مسالمت‌آمیز در داخل ایران کمک خواهیم کرد. با توجه به تحلیلات فوق به این واقعیت می‌رسیم که با ترس خامنه‌ای از ترقه بازی، احتمال می‌رود در آینده ترقه‌های بیشتری زیر پایش منفجر شوند و به مانند کابوسی زندگی‌اش را فرا گیرد.

## روستای "زعفران" توسط نیروهای رژیم اسلامی

### ایران توپباران شد



رژیم اسلامی ایران بعد از وقایع تهران بر اقدامات سرکوبگرانه و دژخیمانه خود علیه ملت کرد افزوده و علاوه بر بازداشت‌های متعدد طی روزهای اخیر، در آخرین واکنش خود اقدام به توپباران یکی از روستاهای سرپل ذهاب کرده است.

بنابر اخبار و گزارشات رسیده به وبسایت کوردستان میدیا، جمعه شب راس ساعت ۱۰ شب نیروهای نظامی رژیم اسلامی ایران دست به توپباران روستای "زعفران" از توابع شهرستان سرپل ذهاب زده است.

این توپباران که به بهانه وقایع اخیر در تهران و حمله به مجلس و قبر خمینی انجام شده است، در ادامه سیاست‌های ویرانگرانه‌ی رژیم علیه کردستان می‌باشد تا موجب اشاعه ترس و هراس در میان مردم گردد.

طی روزهای اخیر نیروهای امنیتی رژیم اسلامی به بهانه‌ی وقایع تهران در مناطق مختلفی از ایران و کردستان به منازل شخصی شهروندان کرد و غیر کرد هجوم برده و تعداد کثیری از شهروندان را بازداشت و به مکان‌های نامعلومی منتقل کرده‌اند.

روستای زعفران روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان سرپل ذهاب در استان کرمانشاه ایران است.

یکی از مبارزین بزرگ میدان صلح و اخوت خود را از دست داد، مبارزی که جای خالی‌اش به سختی پر خواهد شد اما برای ما به عنوان حزب دمکرات، این ضایعه علاوه بر این امر در واقع از دست دادن دوستی دلسوز ده‌ها

ساله‌مان بود که در شکل دادن و ایجاد روابط عمیق و مستمر مابین حزب کمونیست و حزب دمکرات کردستان ایران نقشی اصلی و چشم‌گیری داشته است، رابطه‌ای که تا به امروز نیز رو به تعالی‌ست.

برای تمام شخصیت‌ها و جریاناتی که ایشان را می‌شناختند و بر ده‌ها سال مبارزه بی‌امان و خستگی ناپذیر او واقف بودند، خبری تلخ و جانکاه بود. با درگذشت ایشان، ملت کرد

پیام تسلیت دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت درگذشت رفیق "عزیز محمد" درگذشت استاد "عزیز محمد"، دبیر کل پیشین حزب کمونیست عراق و بزرگمرد عرصه "کوردایتی"،

پیام همدردی مصطفی هجری در ارتباط با درگذشت "عزیز محمد"، دبیر کل وقت حزب کمونیست عراق، پیام تسلیتی منتشر کرد. متن کامل پیام:

## پیام همدردی مصطفی هجری در ارتباط با درگذشت "عزیز محمد"

حزب دمکرات کردستان ایران  
دبیر کل  
مصطفی هجری  
۱۱ خرداد ۱۳۹۶ شمسی  
۱۱ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی

وزیر خارجه‌ی آمریکا در جواب "تد پو"، سناتور جمهوریخواه، که درباره تغییر رژیم ایران و قرار دادن سپاه پاسداران رژیم در فهرست گروه‌های تروریستی سؤال کرده بود گفت: "سیاست خارجی آمریکا در مورد ایران در حال شکل‌گیری است و هنوز به رییس‌جمهوری ارائه نشده است." تیلرسون در ادامه تأکید کرد که وزارت خارجه همچنین در حال بررسی پیامدهای دیپلماتیک و بین‌المللی قرار دادن کلیت سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی است. او در ادامه این نشست به موضوع "برجام" پرداخت و گفت: پس از مطالعه برجام، توافق هسته‌ای با ایران را "توافقی ضعیف" یافته‌ایم. اظهارنظرهای مذکور در ادامه و تأکیدی است بر سخنان دونالد ترامپ که پیشتر ایران را محور اصلی اشاعه ترور در جهان و تهدیدی برای صلح و ثبات خاورمیانه معرفی کرده بود.

مداخلات گسترده رژیم ایران در امور داخلی کشورهای منطقه و حمایت از تروریسم بین‌المللی که وقوع و گسترش جنگ‌های داخلی را در این کشورها در پی داشته است، دولت ترامپ را به این قناعت رسانده که بجز تغییر رژیم اسلامی ایران راه حلی نهایی برای پایان دادن به مناقشات منطقه وجود ندارد. رکز تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا که روز چهارشنبه ۲۴ خرداد در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان حضور یافت طی سخنانی به تشریح سیاست‌ها سازمان متبوع‌اش در ارتباط با ایران و مسائل خاورمیانه پرداخت. او در این نشست، ایران را عامل اصلی بی‌ثباتی و گسترش تروریسم در منطقه دانست و بر تغییر رژیم اسلامی ایران به عنوان هدف اصلی سیاست‌های دولت آمریکا تأکید کرد. وی در این ارتباط متذکر شد که: سیاست ایالات متحده پشتیبانی از سازمان یا گروه‌هایی است که به تغییر مسالمت‌آمیز این حکومت منجر شود.



## تیلرسون: سیاست ما حمایت از تغییر رژیم ایران است

## ۱۰ روز از قطع شدن آب شهر و روستاهای سومار می‌گذرد

در گزارشی به موضوع قطعی آب در سومار و روستاهای آن پرداخته است و به نقل از شهروندان کرد می‌نویسد: این موضوع به اطلاع شهرداری سومار، بخش‌داری، فرماندای قصرشیرین و حتی استانداری کرمانشاه رسیده، اما متأسفانه تاکنون به نتیجه نرسیده است. بر اساس همین گزارش بخش‌هایی از این منطقه در ۴۸ ساعت فقط یک ساعت آب داشته‌اند که این هم در مورد اکثر مناطق صدق می‌کند.

است مشکل سیستم آبرسانی این بخش از کردستان را برطرف کند. سومار از توابع استان کرمانشاه و از مناطق گرمسیری این استان محسوب می‌شود که در اواخر بهار و فصل تابستان با گرمای شدید و طاقت فرسایی روبروست که گاهی تا ۵۵ درجه سانتیگراد هم می‌رسد و با این حال میزان خدمت‌گذاری به این منطقه بسیار پائین بوده و حتا در بیشتر اوقات با مشکل کمبود آب و قطع‌های مکرر و مستمر مواجه می‌شود. خبرگزاری حکومتی "ایستا"

علی‌رغم وجود ۶۲ درصد از منابع آبی ایران در استان‌های کردستان، بسیاری از شهرها و روستاهای استان‌های مختلف کردستان از سیستم آبرسانی مناسب و یا دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم هستند. بنابر اخبار و گزارشات منتشر شده، شهر سومار و روستاهای اطراف آن بیش از ۱۰ روز است که از دسترسی به آب سالم محروم بوده و رژیم اسلامی ایران طی این ۱۰ روز نتوانسته

## رژیم ایران برای مقابله با نیروهای پیشمرگه اسلحه و مهمات تازه به کردستان ارسال می‌کند



سوی مردم بی پاسخ مانده است. از سوی دیگر رژیم در چند روز گذشته برای هرچه بیشتر ملیتاریزه کردن شهرهای کردستان و ایجاد فضایی پلیسی و خفقان به منازل شهروندان حمله کرده و افرادی را به تهمت تروریست بودن دستگیر کرده است. ناظران سیاسی بر این عقیده‌اند که تمام این تلاش‌های رژیم از ترس سران جمهوری اسلامی از شروع مرحله جدید قیام کردستان-راسان- و تاثیراتش، سرچشمه می‌گیرد.

اسلحه و مهمات را به شهرهای نقده و اشنویه ارسال کرده است. این تلاش‌های بی ثمر رژیم در حالی‌ست که در چند ماه گذشته چندین محموله مواد تسلیحاتی از استان‌های مرکزی ایران به شهرهای کردستان ارسال شده و همچنین در تعداد کثیری از روستاهای مرزی، مقر و پایگاه نظامی جدید بنا کرده است. علاوه بر این، نیروهای امنیتی رژیم اسلامی ایران از مردم خواسته‌اند هرگونه تحرکات مشکوک و حضور پیشمرگه در منطقه را گزارش کنند که این خواسته از

توطئه‌ی تجهیز کردن نیروهای ضد مردمی رژیم در کردستان ادامه دارد و در این راستا چند روز گذشته چندین محموله از سلاح و مهمات به شهرهای "اشنویه" و "نقده" ارسال گردید. بر اساس گزارش رسیده به وب‌سایت کردستان میدیا، در چند روز گذشته سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در ادامه نقشه‌ی ملیتاریزه کردن هرچه بیشتر شهرهای کردستان و تجهیز هر چه بیشتر مقر و پایگاه‌های نظامی. چندین محموله

## نماینده حزب دمکرات سفیر رژیم در اتحادیه اروپا را به چالش کشید



کنفرانسی با عنوان روابط ایران و اتحادیه اروپا، از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تا همکاری‌های اجتماعی اقتصادی در شهر بروکسل برگزار شد. روز سه‌شنبه شانزدهم خردادماه، کنفرانسی با عنوان روابط ایران و اتحادیه اروپا، از پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای تا همکاری‌های اجتماعی اقتصادی در مرکز CEPS یکی از مراکز تحقیقاتی معتبر همسو با اتحادیه اروپا در شهر بروکسل برگزار گردید. مدیریت این پنل به عهده "استیون بلوکزن" مسئول بخش سیاست‌های خارجی اتحادیه اروپا در مرکز CEPS بود و سخنرانان این نشست عبارت بودند از خانم "تاریا کرونگرن" از اعضای برجسته SIPRI و نویسنده کتاب مذاکرات هسته‌ای چند جانبه با ایران که به روند این گفتگوها میان ایران و اروپا می‌پردازد. آقای "پییر ویمونت" از اعضای ارشد دفتر اروپایی بنیاد کارنیگی و مسئولین اسبق روابط خارجه

کنفرانسی با عنوان روابط ایران و اتحادیه اروپا و سفیر جمهوری اسلامی نزد اتحادیه اروپا بلژیک و لوکزامبورگ پیمان سعادت. این نشست که قرار بود به نوعی به سود رژیم به لابی‌گری مثبت سیاسی و اقتصادی بیانجامد با خطاب قرار دادن مستقیم سفیر رژیم و طرح سوالات چالشی از سوی آقای کاوه آهنگری نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در بلژیک به مناظره کشیده شد. آقای آهنگری در میانه سوالات خود به شرایط خفقان‌آور سیاسی حاکم در ایران، نقض دائمی حقوق بشر و به ویژه اقوام و ملیت‌های ایرانی اشاره کرد و از خانم کرونگرن درخواست کرد تا با افزایش فشارهای سیاسی رژیم ایران را لاقبل به کاهش سرکوب اقوام و ملیت‌ها وا دارد وی همچنین با اشاره به توییت همان روز جواد ظریف مبنی بر حق در دست گرفتن سلاح به عنوان حق دفاع از خود سفیر رژیم را به چالش کشید و مستقیماً آنچه را که رژیم با عنوان عناد با رژیم از آن یاد می‌کند حق مسلم مردم تحت ستم گرد دانست. در پاسخ به آقای آهنگری خانم

کرونگرن اشاره کرد که در طول مذاکرات هسته‌ای صرفاً برای به نتیجه رسیدن و پرهیز از دست یابی ایران به تسلیحات هسته‌ای مسائل حقوق بشری کمرنگ‌تر بودند اما اینکه امروز نیاز به ادامه همان نوع گفتگوها برای مسائل حقوق بشری مورد استفاده قرار گیرد را امری مثبت دانست. اما در جواب کاوه آهنگری سفیر رژیم با انحراف از موضوع هرگونه حق‌طلبی و مبارزه مسلحانه حتی در قالب امری صرفاً دفاعی را اقدامی تروریستی خواند که گفت در اروپا نیز با چنین اقدامات و گروه‌هایی با عنوان تروریست برخورد می‌شود. این در حالی است که مبارزات مردم باسک، جدایی‌طلبان کاتالونیا و ایرلند شمالی امروز به عنوان نقطه عطفی در کارنامه دمکراسی‌خواهان اروپا است و اگر سال‌ها مبارزه سیاسی و نظامی انجام نپذیرفته بود امروزه این مردمان به حقوق مدنی و سیاسی خود دست نیافته بودند.

## نگاهی به کارنامه نزدیک به ۴۰ سال شکست اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

نام کشور	تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۸۰ میلارد دلار	تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۵ میلارد دلار	تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۵ چند برابر شده است
ایران	۹۴	۴۲۵	۴/۵
ترکیه	۶۸	۷۱۷	۱۰/۵۴
کره جنوبی	۶۷	۱۳۰۰	۱۹/۸۰
عربستان	۱۶۴	۶۴۶	۳/۹۳
امارات متحده عربی	۴۳	۳۷۰	۸/۶۰
اسرائیل	۲۱	۲۹۹	۱۴/۲۳
هند	۱۸۹	۲۰۰۰	۱۰/۵
چین	۱۹۱	۱۱۰۰۰	۵۷/۵

جمهوری اسلامی هرگز ملیت‌ها و مذاهب مختلف درون ایران احساس عدالت و آزادی و آسایش نخواهند کرد! اگر از خطر جنگ هم بگذریم و اوضاع به همین شیوه به پیش برود روزه‌روز اقتصاد ایران به نسبت دیگر کشورها عقب خواهد افتاد اما در صورت سرنگونی رژیم و ایجاد یک کشور دمکرات می‌توان با استفاده از همه امکانات به رشد سریع اقتصادی دست یافت. آقای خمینی حکومت ایران را حکومت مستضعفین جهان می‌نامید اما هم اکنون قبری بسیار گران قیمت و با مساحت ۶۰۰هزار متر مربع را اشغال کرده است و فقرا حتی یک متر برای خواب شبانه ندارند و مجبورند در گورستان‌ها بخوابند! اگر این آباد کردن دنیای مردم ایران بود وای بر آخرتی که آقای خمینی وعده‌اش را می‌داد!

امکانات و وضعیت بسیار بهتری نسبت به ترکیه و کره جنوبی داشت. تنها راه استفاده کامل مردم ایران از امکانات طبیعی و نیروی انسانی و فکری کشور تغییر رژیم حاکم بر ایران است چون برای ریشه‌کنی فساد نیاز به آزادی بیان است که آزادی بیان جزء خطوط قرمز حکومت‌های دیکتاتوری از جمله ایران است و با وجود جمهوری اسلامی هرگز فساد ریشه کن نخواهد شد چونکه خود رهبران رژیم سرچشمه فساد هستند! برای سرمایه‌گذاری گسترده خارجی نیاز به امنیت و ثبات سیاسی و روابط دوستانه و حداقل غیرخصمانه با جهان غرب است که با وجود جمهوری اسلامی امکان چنین روابطی غیرممکن است! رشد اقتصادی نیازمند امنیت و عدالت در جامعه است که با وجود

کار جوان و ارزان بسیار خوبی در اختیار داشت و همچنین کشوری جذاب برای توریست‌ها است و تنها دلیل عقب ماندگی اقتصاد ایران از جامعه جهانی شکست طرح‌های اقتصادی جمهوری اسلامی و فساد و مدیریت ناکارآمد است، کره جنوبی که هیچکدام از امتیازهای اقتصادی ایران را نداشته هم اکنون تولید ناخالص داخلی‌اش ۳ برابر بیشتر از کشور ایران است! کشور چین نیز در مدت ۳۵ سال توانسته اقتصاد خود را ۵۷ برابر کند و این موجب حیرت همه جهان شده است اما اگر جمهوری اسلامی به همان نسبت کشور ترکیه پیشرفت می‌کرد هم اکنون تولید ناخالص داخلی‌اش بیشتر از ۲ برابر کنونی می‌بود یعنی درآمد مردم ایران به طور متوسط ۲ برابر امروز بود! حال آنکه ایران

اعلام کرد! طبق آمار و سخنان خود مقامات حکومتی چیزی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از مباحث اقتصادی سند چشم‌انداز بیست ساله که بیشتر از نصف عمر خود را طی کرده محقق شده و با توجه به آمار منابع معتبر جهانی ایران به هیچ وجه قادر نخواهد بود حتی به نزدیکی اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز هم برسد. برای درک بهتر از کارنامه اقتصادی جمهوری اسلامی بهتر است اقتصاد ایران را با رقبای قبل از انقلاب ۵۷ و اکنون مقایسه کنیم. معمولا حکومت‌های ایدئولوژیک و حکومت‌های دیکتاتوری برای فریب افکار عمومی همیشه در تبلیغات اقتصادی خود زمان حال را با قبل از روی کار آمدن حکومت‌شان مقایسه می‌کنند و این بسیار اشتباه و کاری فریبکارانه است چون تمام دنیا در حال پیشرفت است و برای بررسی کارنامه اقتصادی کشوری بهتر است مدت زمان مد نظر را با رقبای آن کشور و اقتصاد جهانی مقایسه کرد. بنابر جدول فوق به خوبی روشن و نمایان است که جمهوری اسلامی ایران نه تنها نتوانسته باعث پیشرفت اقتصاد ایران نشود بلکه حتی باعث عقب ماندگی ایران نسبت به دوران قبل از انقلاب شده است. در جدول بالا تنها کشور عربستان است که به نسبت، رشد کمی داشته و دلیل آن این است که قبلا اقتصاد عربستان بسیار وابسته به نفت بود و به مرور با افزایش تولیدات صنعتی و حتی کشاورزی توانسته است هم اکنون تولید ناخالص داخلی بیشتری از ایران داشته باشد! ایرا ن منابع و نیروی

کند شاغل محسوب می‌کند، تعداد بیکاران را سه میلیون و دویست هزار نفر اعلام کرده و اما از سوی دیگر مرکز پژوهش‌های مجلس تعداد بیکاران را حدود ۷ میلیون نفر اعلام کرده است! البته وضعیت شاغلین هم به هیچ وجه خوب نیست بطوری که امسال حداقل حقوق کارگر ۹۳۰ هزار تومان اعلام شده در حالیکه مرکز پژوهش‌های مجلس بر اساس تورم در ۱۰ سال گذشته و هزینه‌های کنونی خط فقر را در سال ۱۳۹۵ حدود یک میلیون و هشتصد هزار تومان اعلام کرده بود و حتی بعضی کارشناسان وابسته به جناح‌های رژیم این رقم را تا حدود ۳ میلیون تومان اعلام کرده‌اند و این عمق فقر در ایران حتی برای شاغلان را به روشنی مشخص می‌کند! (حدود ۱۰ سال است که دولت به طور رسمی خط فقر را اعلام نکرده است). همچنین در حالی بانک جهانی و موسسات اقتصادی دیگری نسبت به ورشکستگی بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری ایران که اکثرا بدون موجودی هستند، هشداره داده‌اند که سرمایه‌گذاران خارجی از ترس تحریم‌های آمریکا و یا بروز جنگ با ایران از سرمایه‌گذاری گسترده در ایران خودداری می‌کنند در حالیکه اقتصاد ایران به خصوص صنعت نفت و گاز آن به شدت نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی است! در کنار تمام این مشکلات و فشارها بحث فساد هم به معضل بزرگی تبدیل شده به طوری که سازمان شفافیت بین‌المللی در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۶ در میان ۱۷۶ کشور رتبه ایران از نظر فساد را ۱۳۱

### مختار نقشبندی

حکومت‌های ایدئولوژیک در تمام امور یک کشور دخالت می‌کنند و همه چیز را بر اساس ایده خود به پیش می‌برند تا به قول خودشان دنیا را به "مدینه فاضله" تبدیل کنند و حتی ایدئولوژی‌های دینی همچون حکومت اسلامی ایران یا فراتر گذاشته و برای زندگی پس از مرگ افراد هم برنامه دارند و به قول آقای خمینی "ما آمده ایم که دنیا و قیامت شما را آباد کنیم!". حالا با نگاهی به کارنامه اقتصادی جمهوری اسلامی می‌خواهیم بدانیم که تا چه حد دنیای مردم را آباد کرده‌اند! طبق سخنان و آمار رسمی نهادها و مقامات جمهوری اسلامی، اقتصاد ایران در شرایط بسیار بدی قرار دارد بگونه‌ای که اقتصاد ایران با خطر رکود مجدد یا رشد بسیار پایین مواجه است چون بیشتر رشد تولید ناخالص داخلی ایران در چند سال گذشته به خاطر صادرات نفت بوده و با رسیدن ایران به حدود سقف تولید تعیین شده امکان رشد صادرات نفت بسیار کم است و همچنین در صورت بهم خوردن توافق هسته‌ای یا تصویب تحریم‌های جدید اقتصادی از سوی آمریکا اقتصاد ایران با بحران شدید مواجه خواهد شد چرا که علاوه بر گرانی و مشکلات اقتصادی، حکومت سالانه نیازمند ایجاد حدود یک میلیون شغل است تا به تعداد بیکاران اضافه نشود. با توجه به اینکه مرکز آمار ایران هر فردی را که هفته‌ای حداقل یک ساعت کار

## ترقه‌بازی، بهانه‌ی حکومت وحشت



### کریم پرویزی

#### ترجمه: پژمان شریعتی

که تروریسم تغذیه شده از سوی جمهوری اسلامی گریبان خود او را نیز خواهد گرفت و یکی از همین متحدان در دل پایتخت و در مجلس و در محوطه‌ی مقبره‌ی موسس رژیم‌اش سر برمی‌آورد و نیش خود را می‌زند. درگیری میان تروریسم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران با سلفی جهادی و داعش، نشانه‌ی برحق بودن یکی از طرفین نیست بلکه بیانگر تداخل منافع موقتی آن‌هاست و احتمالاً این دو اهریمن دوباره به نوعی توافق رسیده و به حامی همدیگر بدل شوند. - سپاه پاسداران و سازمان‌های اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم به صورت گسترده‌ای تبلیغات می‌کردند که گویی امنیت "حرم" را در عراق و سوریه تامین می‌کنند! اینگونه نشان می‌دادند که در خاورمیانه‌ی جنگ‌زده، امنیت ایران و مناطق شیعه نشین خاورمیانه را تنها آن‌ها تامین کرده‌اند. اما این واقعیت را مخفی می‌کردند که با القاعده، طالبان، داعش و... توافقات و ارتباطات سری و پنهانی دارند و از این گروه‌ها با این شرط حمایت می‌کنند که در ایران و مناطق مدنظر رژیم هیچ عملیاتی انجام ندهند! در رویدادی همچون هجوم به

مجلس رژیم و قبر خمینی آشکار شد که سازمان‌ها و نهادهای سرکوبگر رژیم تنها برای سرکوب و شکنجه‌ی مردم عادی و وبلاگ‌نویسان و دانشجویان و زنان "بدحجاب" دست‌بزن دارند و امنیت پوشالی که مدعی آن بودند با جرقه‌ای که تنها باد فنا می‌رود، به گونه‌ای که تنها پنج فرد مسلح داعشی توانستند پایتخت و سرتاسر ایران را ناامن کرده و رژیم را ناچار به اعلام حالت آماده باش در کل ایران کنند. - خامنه‌ای از ترس این گروه کوچک مسلح دچار هراسی فراگیر شده بود و نمی‌دانست که چه بگوید، اگر چه این رویداد را به "ترقه‌بازی" تشبیه کرده بود! اما به تمام نیروهای رژیم فرمان آماده باش داده بود و تنها به این امر هم اکتفا نکرده بود و به چماق بدست‌هایش در چنین شرایطی که نابودی امنیت پوشالی رژیم، استیصال شدید سیستم مطبوع‌اش را در پی داشت -احتمالاً متحدش -داعش- در اجرا کردن پیش از موعد توافق انجام شده زیاده روی کرده باشد!- دست به سرکوب و تهدید و ارباب در سراسر ایران زد و در همین راستا در چندین نقطه‌ی ایران افراد بسیاری

را بازداشت کرده و با روانه کردن نیروهای امنیتی به خیابان‌ها اقدام به ایجاد وحشت در میان معترضین کرد. اما از همه مهتر، سیاست‌پلید رژیم در قبال کردستان است که قصد دارد به بهانه‌ی وقایع اخیر کردستان و کرد و جنبش حق‌طلبانه‌ی این ملت را به عنوان تروریست معرفی کند و اینگونه نشان دهد که کردستان مرکز و پایگاه تروریسم است. این در حالی‌ست که گروه‌های تندرو اسلامی در کردستان با آگاهی و نظارت دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم گسترش یافته و حتی از طرف دستگاه‌های رژیم زمینه‌ی مناسبی برای پیشرفت آنها مهیا شده تا بتوانند جوانان کرد را منحرف کرده و آنها را به منظور انجام عملیات‌های انتحاری به افغانستان، عراق، سوریه و... بفرستند. رژیم اسلامی با این کار چندین هدف را تعقیب می‌کرد از سویی ذهن جوانان کرد را از مسائل ملی دور نگه می‌داشت و هم با قدرتمند کردن گروه‌های تندرو اسلامی، مانع از گسترش تفکرات ملی-دموکراتیک در جامعه می‌شد و از سوی دیگر عوامل مورد نیاز برای آشوب و بمب گذاری‌هایش را در کشورهای دیگر تامین می‌کرد. اما حال که زبانه‌های

آتش رو به خود رژیم زبانه کشیده، دیگر نمی‌تواند خود را غسل تعمید دهد و کردستان را متهم سازد. جنبش ملی-دموکراتیک کردستان، بنابر بنیادهای فکری خود مخالف سرسخت ایدئولوژی ولایت فقیه و ضد تفکرات تندرویی سلفی‌های جهادی مانند القاعده و داعش است و ولایت فقیه و داعش را به مانند دو دیو با بنیادهای فکری ضدبشری تعریف می‌کند. تاریخچه جمهوری اسلامی نشان داده که در تمامی رویدادها و اتفاقات، سیاست‌های شوم و شیطانی در پیش گرفته و از گفتمان جهانی و منطقه‌ای ضدتروریسم، برای سرکوب معترضین و آزادیخواهان سواستفاده می‌کند. رژیم اسلامی ایران در گذشته نیز تهمت‌های ناروای زیادی به جنبش آزادیخواهان کردستان زده است، از وابستگی به بیگانه، ساخته و پرداخته دست امپریالیسم، جاسوس صهیونیسم و... گرفته تا حمایت عربستان و اسرائیل از تحریکات پیشمرگه در این اواخر. اما جنبش برحق ملی-دموکراتیک کردستان از این تهمت‌ها دور بوده و تاریخ به روشنی گواهی می‌دهد که جنبش کردستان جنبشی کاملاً بر حق و انسانی بوده و هست و این جمهوری اسلامی‌ست که سرچشمه و حامی تروریسم بین‌المللی بوده و در این میان کرد و حزب دمکرات در جبهه‌ی مقدم مبارزه برای کسب آزادی و مخالفت با تروریسم قرار دارد و آن زمان که حزب دمکرات و رهبران‌ش ترور و فعالیت‌های تروریستی را محکوم می‌کردند، جمهوری اسلامی ایران گروه‌های تروریستی‌اش

را در اروپا و لبنان و بعدها در عراق و سوریه گسترش می‌داد. آنچه که در پایان این جستار باید به آن اشاره کرد این است که، تلاش‌های جمهوری اسلامی برای پنهان کردن کارنامه‌ی تروریستی خود و بدنام کردن کردستان و جنبش ملی دمکراتیک کرد، تلاشی‌ست بیهوده و عبث‌ناک که هیچ سودی برای رژیم ندارد چرا که آنچه‌ان در آشوب‌ها و باتلاق موجود در منطقه فرو رفته که با تهدید و فشار و آدرس اشتباه دادند دیگر نمی‌تواند خود را از غرق شدن در گردابی که خود درست کرده رهایی بخشد. جنبش برحق کردستان و آزادیخواهان کرد هیچ نیازی به پاک نشان دادن و استدلال برای میرا کردن خود از تهمت‌های جمهوری اسلامی ندارند، بلکه این جنبش با کارنامه و تاریخچه پاک و انسانی‌اش در محضر جهانیان به جنبشی آزادیخواه و حق‌طلب شناخته شده و این جمهوری اسلامی‌ست که از او به عنوان منشا تروریسم و آشوب در منطقه یاد می‌شود. جنبش کرد در جایگاه " متهم" قرار نگرفته است که جمهوری اسلامی قاضی آن دادگاه باشد، بلکه جنبش کردستان برای حقوق برحق‌اش مبارزه می‌کند و ولایت فقیه نیز برای تداوم بقا خود هم‌پیمان داعش است و مار دو سر تروریسم در منطقه متهم اصلی است. در واقع جنگ علیه تروریسم تنها آن وقت به پیروزی می‌رسد که هم جریان سلفی جهادی -که به مانند عاشق و معشوق‌اند- سرکوب شوند و هر دو با هم نابود شوند.

۱۷ خرداد در تهران آشکار شد

## هویت عاملان حملات تروریستی تهران، یک مساله



آرش صالح

چرا پس از این حمله تروریستی در تهران، ما شاهد آن بودیم که چندین موج جمع‌آوری امضا در کوردستان چه در میان فعالین و نخبه‌ها و چه در میان عموم مردم شکل گرفته است؟ برای پرداختن به این سوالات به نظر می‌رسد بهترین مفهومی که می‌توان به آن توسل جست مفهومی است تحت عنوان "بازگمایی دیگری" یا "representation of other". به زبان ساده آنچه که در این روند اتفاق می‌افتد عبارت است از اینکه جوامع بشری در توصیف و معنا کردن "دیگری"‌های‌شان قالب‌های ایدئولوژیک خود را به این شناخت و معنا کردن تحمیل می‌کنند و شناخت و آگاهی از دیگری را از رهگذر این قالب‌های ایدئولوژیک و یا فرهنگی شکل می‌دهند. اما مساله به اینجا ختم نمی‌شود. این قالب‌ها و به تبع آن این شناخت نه تنها ناشی از روابط قدرتی است که بین این گروه‌های بشری وجود دارد بلکه تضمین تداوم آنها نیز هست.

برای اینکه مساله کمی برایمان ملموس‌تر شود مثالی می‌زنیم. "هندی"‌ها در فرهنگ غرب به عنوان انسان‌هایی خصیص، بزدل و غیر قابل اعتماد معرفی می‌شوند. این معرفی شدن درواقع همان بخشیدن شکل ایدئولوژیک به دال "هندی"ست. این امر باعث می‌شود که کسانی که دنیا را از زاویه فرهنگ غرب می‌بینند و یا لاقول "هندی" را از زاویه دید فرهنگ غرب معنا می‌کنند این صفات را به همه هندی‌هایی که می‌بندند تعمیم دهند و در وقایع اجتماعی مختلف در قضاوت خود دخیل کنند. در ادامه همین مثال، انعام دادن در رستوران‌ها یکی از مهمترین خصیصه‌های فرهنگ غرب است. اما گاهی اتفاق می‌افتد که فردی این کار را انجام ندهد و یا انعام کمی به پیشخدمت ارائه می‌کند. برخورد پیشخدمت‌ها اعم از سفید و غیر سفید زمانی که مشتری سفید یا هندی است کاملا متفاوت است. در صورتی که مشتری سفید باشد

نهایتا طرف با صفت خصیص مورد قضاوت قرار می‌گیرد اما اگر زمانی مشتری هندی باشد امکان اینکه طرف به عنوان "هندی خصیص" قضاوت شود بیشتر است. در عرف رستوران‌ها دو گزینه برای انعام دادن به مشتری ارائه می‌شود یکی ۱۰ درصد از خرید و دیگری ۱۵ درصد. اگر یک شهروند سفید انعام ۱۰ درصدی را انتخاب کند امکان اینکه به عنوان خصیص مورد قضاوت قرار گیرد بسیار کم است اما اگر یک شهروند هندی همین کار را انجام دهد اینکه به این عنوان شناخته شود بیشتر است، حتی زمانی که پیشخدمت غیر سفید، به عنوان مثال فارس یا کرد باشد، چرا که فارس یا کرد این شناخت را از دریچه ایدئولوژیک فرهنگ غالب در غرب به دست آورده است. این مقوله اما به خودی خود به اینجا نرسیده بلکه ناشی از سال‌ها روابط قدرتی است که فی مابین سفیدها از یک سو، و مستعمره‌ها، غیر سفیدها و جهان سوم از دیگر سو وجود دارد. هندی‌ها سال‌ها در روابط خود با سفیدها و علی‌الخصوص بریتانیا فرودست بوده‌اند و این مدل‌های که امروز دال "هندی" به آن‌ها ختم می‌شود در نهایت از دل این رابطه فرادست و فرودست بیرون آمده است. در مساله امروز ما نیز شبکه‌ای از روابط قدرت خوابیده است که برای بیش از یک سده روابط کوردها را با فارس‌ها در ایران و یا بهتر است بگوئیم با دیگری‌هایشان در خاورمیانه سازمان بخشیده و شکل داده‌اند. کوردها به عنوان "دیگری" از سوی همسایه‌هایشان و از دریچه این روابط سلطه تعریف می‌شوند. به عنوان مثال برای مدت‌ها دال "کورد" با مدل‌هایی چون بربریت همراه بوده. بعدها سربریدن، غیرتی یا ضد زن و ... به این مدل‌ها اضافه شده است. اما چرا این صفات "بد" و دارای بار قضاوتی منفی به کوردها نسبت داده می‌شود؟ "معمول ترین شیوه بازگمایی دیگری همانا بخش تاریک‌تر است، یعنی متضاد دوگانه خود". اگر ملتی خود

را متمدن میدانند در مقابل خود گروهی را که تحت کنترل و سلطه می‌کشد متضاد دوگانه متمدن یعنی وحشی یا بربر می‌خوانند. اهمیت این مساله از آنجا نشأت می‌گیرد که سلطه یا روابط قدرت در بخش فرهنگ بیش از هر جای دیگری عمل می‌کند و در آنجا رنگ پیدا می‌کند، به آن مشروعیت بخشیده می‌شود و زمینه تداومش فراهم می‌شود. برای یک ملت متمدن تحت سلطه کشیدن بربریت بیشتر از تحت سلطه کشیدن یک تمدن دیگر مشروع و اخلاقی جلوه می‌کند. دنبال اثبات کردن اینکه تروریست‌ها کورد بودند می‌تواند به خودی خود هیچ مساله‌ای نداشته باشد اما زمانی که این مساله در کانتکستی مورد بحث قرار می‌گیرد که نزدیک به دو قرن روابط سلطه و شبکه قدرت پشت آن خوابیده در واقع مساله‌ساز می‌شود. به عنوان مثال چندان اهمیت ندارد که کسی یک سفید پوست را خصیص بداند اما زمانی که یک هندی ۱۰ درصد انعام را به پیشخدمت بدهد و مفهوم خصصت در ذهن شکل بگیرد یک مساله بسیار جدی‌ست. اما عمق فاجعه به اینجا ختم نمی‌شود. بلکه برای اینکه بیشتر به عمق فاجعه بپردازیم باید بگوئیم که به نظر می‌رسد که جوامع تا بیشتر سنتی باشند شناخت و معنای که دیگران از آنها دارند بیشتر در درک و تعریف خود آن جوامع از خودشان نیز نقش پیدا می‌کند. به عنوان مثال هندی‌ها برای مدت‌ها در شناخت خود این عنصر اروپائیان یا سفید پوست‌ها را نیز دخالت داده‌اند. این مقوله در محصولات فرهنگی رنگ بسیار زدایی دارد. "پیتر راسل" که یک طنز پرداز اصالتا هندی کانادایی است بیش از هر کس یا چیز دیگری طنزهای خود را به خصصت هندی‌ها اختصاص می‌دهد. این مقوله باعث می‌شود در قضیه کوردستان در عرض دو روز چندین موج جمع‌آوری امضا برای "پاک کردن این لکه ننگ بر پیشانی ملت کورد" شکل گرفته است. پر

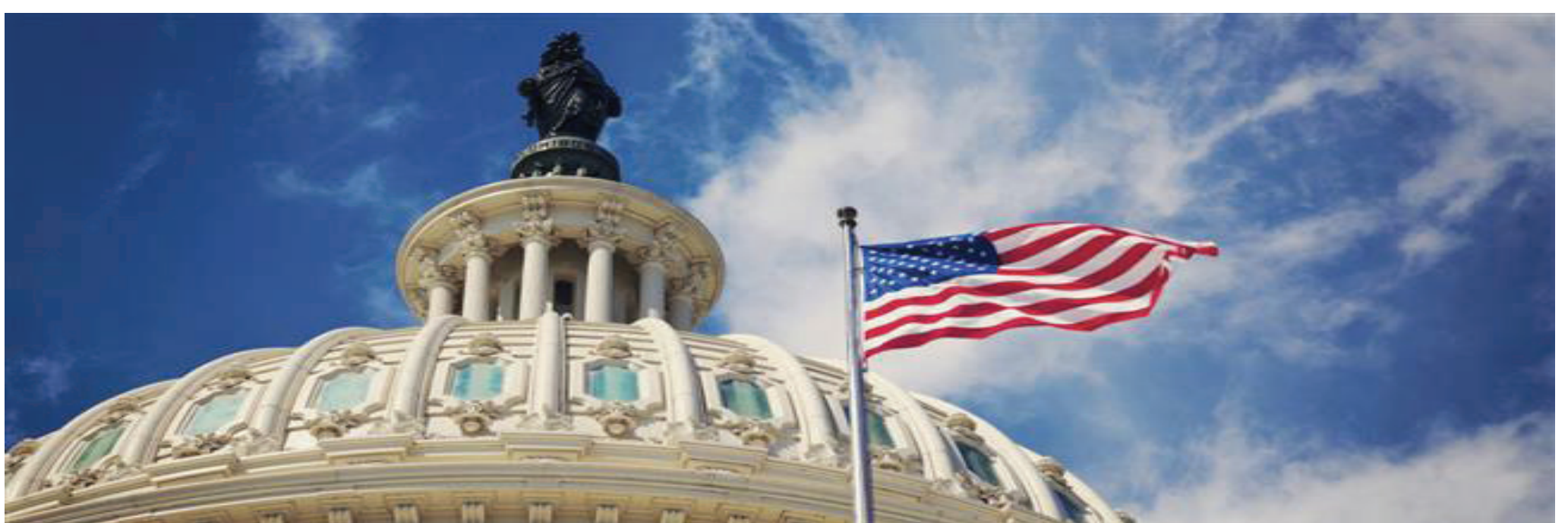
تنها چند دقیقه پس از انجام حملات تروریستی در تهران گمانه‌زنی‌ها در مورد زبان، لهجه و به طور کلی هویت انتیکی حمله کننده‌ها آغاز شد و به یکی از مباحث اصلی تبدیل شد. انعکاس کورد بودن چند نفر از این حمل کننده‌ها به مساله‌ای جدی تبدیل شد که در سطح شبکه‌های اجتماعی تقریبا به اندازه خود خبر حمله به آن پرداخته شد و انعکاس پیدا کرد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که اگر چه این مقوله به صورت آشکار در جامعه مورد بحث قرار نمی‌گیرد اما یک نگرانی عمیق در جامعه را تشکیل می‌دهد که اگر چه چونان "سر مگو" از آن صحبت نمی‌شود اما گاهی سر بیرون می‌آورد. چرا کورد بودن این افراد اهمیت پیدا می‌کند؟ چرا این اهمیت پیدا کردن، جدای از جنبه‌های خبری و امنیتی، دارای یک بعد تاریک و پنهان است؟

## سنای آمریکا متممی به طرح تحریم‌های ایران افزود

ایران توسط سنا، این طرح به مجلس نمایندگان می‌رود و پس از تصویب برای امضا به کاخ سفید فرستاده خواهد شد. اعمال تحریم‌ها علیه ایران به سبب برنامه موشکی بالستیک این کشور، حمایت از فعالیت‌های تروریستی بین‌المللی و همچنین نقض حقوق بشر می‌باشد. در صورت تصویب کلیت این طرح، سپاه پاسداران رژیم ایران نیز در لیست گروه‌های تروریستی بین‌المللی قرار می‌گیرد.

تازه‌ای علیه روسیه می‌باشد. این متمم رییس جمهوری آمریکا را موظف می‌کند که برای کاهش تحریم‌های روسیه از کنگره اجازه بگیرد. به گزارش رویترز هدف این تحریم‌ها تنبیه روسیه به دلیل مداخله در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، الحاق شبه جزیره کریمه و حمایت از حکومت سوریه است. به گزارش آسوشیتدپرس، پس از تصویب طرح تحریم‌های

در راستای تلاش‌های بین‌المللی برای کنترل و مهار آشوب‌های خاورمیانه، طرحی مبنی بر افزایش تحریم‌های علیه ایران در سیستم قانونگذاری آمریکا مطرح شده است که مراحل قانونی تصویب خود را طی می‌کند. سنای آمریکا روز چهارشنبه ۲۴ خرداد ماه با بررسی طرح افزایش تحریم‌ها علیه ایران با اکثریت قاطع افزودن یک متمم به طرح مذکور را به تصویب رساند که شامل اعمال تحریم‌های



## در باب استقلال کردستان

ن: جمال رسول دنخه

هر فردی سواى از مختار بودن بر زندگى و سرنوشت خود در هر مسائلى در بعد مسائل جهانى و خاصا اجتماعى و سياسى بر سرنوشت خویش حاکمى بى چون و چراست و در پس آن در زندگى خود در برابر قانون و مقررات تدوین شده توسط حکومت - چه شخصى و چه عمومى - متعهد و مسئولیت دارد. با ذکر این مقدمه کلی چنین بر می آید که "افراد کرد" و در معنای وسیع آن "ملت کرد" حاکم و مختار به سرنوشت خویش اند و هیچ کس و هیچ ملتى با هر محتوای فکرى و عقلى حق ندارد منکر آن شود و به جای ملت کرد تصمیم بگیرد. شاید این جمله به گوش ما آشنا باشد یا خود جایی آن را خوانده ایم که "دولت های فاشیست" را میهن پرست نام برده اما در پس آن "ملت ها" سی تحت ستم را دشمن میهن و یکپارچگی وطن قلمداد کنند. دولت ها و به ویژه "حکومت های

فردی" خودشان (مستبد، دیکتاتور، نژاد پرست) بوده و معمولا خود قشرى از فاسدترین و سودجوترین افراد جامعه را به گرد خود جمع کرده که جز سواستفاده از قدرت هدفى ندارند. این دولت های فوق الذکر همچنین در غارت و چپاول ثروت های ملی خود نامدار هستند. در اینگونه موارد از دولت ها، وقتى که افراد نتوانند سخنى از نبود آزادى در جامعه به میان بیاورند و فکر و اندیشه ای تازه را در کالبد جامعه بدمند دیگر "آزادى عمومى آن ملت" حرف بى معنایى بیش نخواهد بود و این دقیقا همان تائید همان جمله فوق است که "دولت های حاکمه" همیشه میهن پرست و طرفدار آزادى هستند اما در پس آن "ملت ها" را دشمن آزادى و میهن می دانند. اکنون در میان فاشیسم دولت های منطقه و حق طلبى ملت های ستم مساله رفراندوم و استقلال کردستان عراق در کجا جای خواهد گرفت؟ آیا معنایى برای ملت کرد وجود دارد که خواهان حقى باشد که این دولت ها مخالف آن باشند؟ نخست: همچنان که گفته شد حق

تعیین سرنوشت چه فردى و در پهنای آن عمومى مانند استقلال حق هر ملتى است و به هیچ فرد یا دولت و سازمانى مرتبط نیست. دوم: ملت کرد هر چهار شاخصه دولت بودن را دارد و اینکه مخالفانى، ساز بردارند آب در هاون کوبیدنى بیش نیست. سوم: در خصوص مساله استقلال کردستان که امروز از مباحث داغ محافل سیاسى جهان می باشد باید گفت که این حق در طول تاریخ از ملت کرد گرفته شده است و بعد از جنگ جهانی دوم نیز این حق تعیین سرنوشت بنا به دلایل سیاسى و مسائل داخلی کردستان به فر نشست. مساله استقلال کردستان از سوى کشورهای منطقه به ویژه رژیم اسلامى ایران به شدت مورد هجوم و نکوهش نابخردانه قرار گرفته طوری که از سطح ادبیات دیپلماتیک نیز گذر کرده و عدوت خود را با همه توان خود به کار گرفته اند. حاکمان این رژیم از واژه ها و کلماتى مانند "دولت دوم صهیونیسم، دامن زدن به بحران های منطقه، اشتباه تاریخی

کردها، تجزیه طلبان غرب، بازی از پیش باخته و تلاش های سعودیه و..." استفاده کرده اند. در آخرین مطلبى که مخالفت خود را با مساله استقلال کردستان بیان کرده اند در خبرگزاری مهر خود مطلبى را با عنوان "بنویسیم کشور کردستان و بخوانیم دولت داعش" منتشر کرده بودند. همه آنچه که گفته و نوشته می شود چیزی نیست جز کمبود درک و فهم سران این کشورها چرا که تاریخ بیانگر عقل سران این کشورها و آن را در کفه ترازو قرار می دهد. نژادپرستى پان فارسى سیم با ترکیبى از "توهمات آریایی و امت اسلامى اثنى عشرى" نتیجه آن ترور و کشتار در داخل و خارج مرزها شده است. از سوى دیگر سیاست نژادپرستانه ای می خواهد مالىخولیاى امپراطورى عثمانى را در منطقه زنده کند، مخالف مطالبات ملت کرد است. با چنین شرایطى ملت کرد به مثابه یک ملت كاملا جدا از همه ملت های منطقه و تفكرات آشتى جویانه در طول تاریخ و هم اکنون نمایندگى جهان در جنگ

ترور، بدیهى است که در میان این دو دولت پیکان همه دشنام و بی خردى های آنان قرار گیرد. علل دیگر مخالفت رژیم ایران با استقلال کردستان را می توان اینگونه تشریح کرد: تحقیقات نشان داده که رژیم ایران با وجود ایدئولوژى کتوفى که طی مدت دو دهه گذشته ابعاد زیادى به خود گرفته و پرستش آیین شیعه ولایت فقیه را به کابوسى برای زندگى مردم بدل کرده مخالف هرگونه برهم خوردن بالانس در منطقه بوده که به آزادى خواهى و دگراندیشى توسعه ببخشد. عوامل مختلفی دیگر نیز در مورد مخالفت شدید با استقلال کردستان به موارد زیر بر می گردد: تغلب گفتمان عاطفى - احساسى "تشیع ولایت فقیه" و به تبع آن رشد ادبیات مذهبی مختص به آن سیاست آشوبگرانه ی مذهبی جمهورى اسلامى در توسعه و کنترل مجالس مذهبی با اهدافى چون ظرفیت سازی برای بسیج توده ای دلایل روانى - اجتماعى مربوط به جامعه ی دین داران (به خصوص جوانان دین دار) نظیر نیاز به

فضاهای تخلیه ی روانى - هیجانى توسعه و تلاش برای تسلط خوانشى منحرفانه از تاریخ کهن منطقه که تنها هخامنش و کوروش و ... مانند اسطوره رهایی بخش شناخته شوند و همه فرهنگ های دیگر مانند فرهنگ های مخالف مدنیت قلمداد شوند. به این طریق تاریخ ملت های دیگر بخصوص کردها را تحت هژمونى تحریف آمیز قرار داده و ملل دیگر را در اسارت نگه دارند. با ذکر این موارد می توان به این نتیجه رسید که رژیم ایران درک کرده است که استقلال کردستان هویت اصلی و واقعی را از لحاظ "جغرافیایی، تاریخی، اجتماعى و فرهنگى" به فرد کرد باز می گرداند که این نیز مستقیما جدا شدن ملت کرد از سایر ملل دیگر است برای تبدیل شدن به دولت و سرزمینى مستقل. کوتاه سخن آنکه مساله استقلال کردستان به ملت کردستان و رهبران کرد مرتبط است نه کسانی که در پشت پرده بوده و سیاست واقعی آن ها جنایت و کشتار و دشمنى است.

## شیرین عبادی از ایجاد "نفرت و تفرقه" در میان

### ملیت های ایران انتقاد کرد



دهها تن را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. نهادهای امنیتی تاکنون از احراز هویت بازداشت شدگان با عنوان اختصاری نیز خودداری کرده اند و از تعداد و هویت بازداشت شدگان اطلاع دقیقی در اختیار رسانه ها قرار نمی دهند. وزارت اطلاعات با انتشار بیانیه ای در وبسایت رسمی خود افراد بازداشت شده را "عناصر گروهک وهابی داعش" خوانده و آنها را مربوط به "تیم های عملیاتی و همچنین سرپل های ارتباطی و تدارکاتی" دانسته است.

ولی به هشدار آنها توجهی نشد. این مدافع حقوق بشر بازداشت شهروندان کرد و بلوچ به بهانه همکاری با گروه "داعش" را عامل "ایجاد تنش بیشتر و میلیتاریزه نمودن فضای ایران به ویژه در شهرهایی که اکثر ساکنین آن گروه های اتمیکی هستند"، دانست. شیرین عبادی از مقامات امنیتی، دادسرا و دادگاه های انقلاب می خواهد که به جای مقابله با فعالین مدنی به "سهل انگاری" خود در حفظ امنیت اعتراف کنند. پس از حملات اخیر تهران، نهادهای امنیتی در کردستان

شیرین عبادی، مدافع حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل، حملات اخیر تهران را "دستاویزی برای سرکوب ملیت های ایران و ساکت کردن صدای هر منتقد مدنی" عنوان کرد. شیرین عبادی، مدافع حقوق بشر و بنیانگذار مرکز حامیان حقوق بشر با انتشار بیانیه ای به دولت مردان ایران هشدار داد که از ایجاد "نفرت و تفرقه در سطح ملی" پرهیز کنند. در این بیانیه آمده "احزاب کردی، فعالین مدنی و سیاسى کرد قبلا چندین مرتبه خطر نفوذ داعش را در مناطق گردنشین گوشزد کرده و به حکومت ایران هشدار داده بودند

## طوفان توییتری با هدف حمایت از کولبران کرد و تحت فشار قرار

### دادن حکومت ایران راه اندازی شد

است و خانواده های زیادی از این راه امرار معاش می کنند. مقایسه آماری در مناطق مختلف کردستان با دیگر مناطق برخوردار نشان می دهد که کولبری یک انتخاب نیست بلکه یک اجبار است و اگر انتخاب شغل دیگری در کردستان امکان پذیر بود بدون تردید اکثریت کولبران به این حرفه طاقت فرسا روی نمی آوردند. با استناد به آمار ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبرسانی کردپا، در سال ۹۵ در مجموع ۱۵۴ کولبر کشته و زخمی شده اند که ۶۶ نفر از آنان کشته و ۸۸ تن دیگر زخمی شده اند. در جریان کشته و زخمی شدن کولبران ۳ کولبر ۱۷ و ۱۶ ساله بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی کشته و زخمی شده اند.

رساندن صدای این اعتراض به سازمان های جهانی حقوق بشری و افکار عمومی عنوان نموده اند. زمان در نظر گرفته شده برای آغاز این طوفان توییتری، روز یکشنبه بیست و هشتم خردادماه ساعت ۲۱ به وقت کرمانشاه اعلام گردیده است. این طوفان توییتری با هشتگ #KurdishLivesMatter آغاز می شود. هدف از این کار، "داغ کردن هشتگ حمایت از کولبران کرد می باشد که به یکی از موضوعات داغ توییتری تبدیل شود و رسانه های معتبر بیشتر به این موضوع بپردازند و حکومت ایران را تحت فشار قرار دهند. کولبری یکی بزرگترین چالش های روبروی مردم مناطق مرزی

فعالان سیاسی و مدنی کردستان ایران با راه اندازی طوفان توییتری در حمایت از کولبران کرد می خواهند حکومت ایران تحت فشار قرار دهند. شماری از فعالان سیاسی و مدنی کردستان ایران با انتشار فراخوانی در شبکه های اجتماعی از مردم کردستان می خواهند که برای حمایت از کولبران کرد در این طوفان توییتری شرکت کنند. این فعالان هدف از راه اندازی این طوفان توییتری را دفاع از حق حیات و کرامت انسانی کولبران کرد و اعتراض به تداوم کشتار آنان از سوی ماموران دولتی و

@amnesty  
@hrw  
@UNHumanRights  
@coe



# "آسمیلاسیون فرهنگی" پروسه‌ای برای نابودی کوردها



بخش اول

شهرام میرزائی

هویتی می‌باشد. آسمیلاسیون فرهنگی در لغت چندین معنا را به خود می‌گیرد که همگون سازی، جذب و ادغام از آن جمله بوده و می‌توان هر کدام از آنها را به صورت مفهومی جامعه شناختی در تحلیل و تفسیر موقعیت‌های متفاوت به کار برد و کارکردی خاص به آن بخشید. به عنوان مثال "جذب" به توضیح پروسه‌ی تطبیق مهاجر با فرهنگ کشور مقصد و میزان هم‌نوای او با سیر فرهنگی جامعه‌ی میزبان می‌پردازد در حالی که همگون‌سازی، پروسه یا پروسه‌های تدوین شده از سوی حکومت‌ها برای ادغام ملل و اقوام محصور در مرزهایش، در فرهنگ غالب را تفسیر و توضیح می‌دهد.

برنامه‌های مدون آسمیله کردن بومیان آمریکا از سوی حکومت مرکزی ایالات متحده، نمونه‌ی بارز و عینی همگون سازی یا آسمیلاسیون فرهنگی می‌باشد، که طی آن اکثریت قریب به اتفاق سرخپوستان زبان، فرهنگ، مذهب و هویت تاریخی خود را از دست داده و به یک سرخپوست آمریکایی، انگلیسی زبان و کاتولیک مذهب تبدیل شدند. پروسه‌ی آسمیلاسیون می‌تواند به صورت تدریجی یا آنی روی دهد و یا اینکه آسمیلاسیون فرهنگی به صورت کامل یا ترکیبی از فرهنگ غالب و فرهنگ تحت انقیاد، خود را نمایان کند. به عنوان مثال بخشی از کوردهای ترکیه به دلیل گستردگی آسمیلاسیون فرهنگی در این بخش از کردستان در تکلم به زبان مادری خود ناتوان بوده و از کمترین شناختی نسبت به فرهنگ و هویت تاریخی ملت‌شان آگاهند اما به کورد بودن خود معترف و آگاه هستند (آسمیلاسیون ترکیبی و تدریجی) و یا حکومت سوریه در راستای تعریب ملت کرد چندین عشیره از افراد را به مناطق عرب نشین آن کشور کوچانده و با قرار دادن آنها و فرزندانشان در یک پروسه‌ی فاشیستی پان‌عربیستی، توانسته طی دهه‌های گذشته این عشایر را از هویت تاریخی خود دور ساخته و به بخشی از جامعه‌ی عرب سوریه بدل کنند (آسمیلاسیون کامل). همچنین

آسمیلاسیون فرهنگی می‌تواند خود به خود یا به زور روی دهد. **■ فرهنگی که توانایی به روز کردن خود را نداشته و پاسخگوی نیازهای امروزین جامعه‌ی خود نیست و یا حاملان آن فرهنگ از ابزار و توانایی کافی برای آپدیت کردن آن محروم هستند، هنگام رویارویی با فرهنگ غنی‌تر، مضمحل شده و در فرهنگ غالب ادغام و آسمیله می‌شود ■**

استفاده از حربیه فشار و زور در آسمیله کردن فرهنگی افراد و جوامع، توسط حکومت‌ها یا گروه‌هایی انجام می‌شود که به نیروی نظامی منظم و منسجمی دسترسی داشته و می‌توانند با استفاده از سایر اهرم‌های فشار همانند سیستم اقتصادی، پروسه‌ی آسمیلاسیون را تکمیل کنند. به عنوان مثال تدوین و تصویب قانون ممنوعیت پوشش بومی در دوران رضاخان که بدون وجود ارتشی منظم و سرکوبگر و یک بروکراسی متمرکز غیرقابل اجرا می‌بود و همین امر باعث شد در اکثر مناطق کردستان برای چندین دهه پوشش کوردی به فراموشی سپرده شود و نسل بعدی با آن بیگانه گردد و سبب ایجاد تضاد فرهنگی در میان اقشار مختلف کردستان شود. مفاهیم و اصطلاحات مشابه با آسمیلاسیون و تفاوت کربردی آن‌ها در مطالعه‌ی آسمیلاسیون باید در کاربرد مفاهیم و اصطلاحات کاملاً آگاه و دقیق بوده و نباید این اصطلاح را به اشتباه بجای مفاهیم دیگر برای تفسیر و تعبیر رویدادها به کار برد. آسمیلاسیون فرهنگی با اصطلاحات زیر تفاوت تعبیری و معنایی دارد: فرهنگ پذیری: به تغییرات فرهنگی-روانی جامعه که به موجب تعاملات عادی گروه‌های مختلف فرهنگی با یکدیگر روی می‌دهد فرهنگ پذیری می‌گوئیم. تعاملات و روابط تنگاتنگ گروه‌های انسانی با یکدیگر سبب انتقال بخش‌هایی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و متقابلاً می‌گردد که این امر خود، موجب تغییر الگوی رفتاری-روانی در جامعه می‌شود. به عنوان مثال در گذشته سرزمین‌های بندری به علت تبادل گسترده‌ی اقتصادی با

به خاطر پیشرفت‌های گسترده‌ی تکنولوژیک به دهکده‌ایی از فرهنگ‌های متفاوت بدل گردیده و تنها گروه‌هایی از "فرهنگ پذیری" در هراس‌اند که دارای محیط فکری بسته و غیرقابل انعطافی باشند. نظام فرهنگی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ی بارز این الگو می‌باشد که به خاطر عدم انطباق فرهنگ حاکم این سیستم با دنیای امروز، حکومت سیاسی مذکور دچار فوبی "فرهنگ پذیری" می‌باشد و بیشترین خطر را از تعاملات بین‌المللی می‌داند. ژنوساید: ژنوساید از دوکلمه‌ی "geno" به معنای نژاد، قبیله و "cide" به معنی کشتار یا کشتن تشکیل شده که به کشتار جمعی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی و با قصد نابودی آنها اشاره می‌کند. امری که در کنوانسیون ژنوساید - ۱۹۴۸- مفصلاً به آن پرداخته شده است اما در هیچ کجای این کنوانسیون به مباحث فرهنگی، هویتی و امکان اقدام دولت‌ها علیه نابودی آن صحبتی به میان نیامده است. ژنوساید و آسمیلاسیون فرهنگی از لحاظ مفهومی و عملی، دو حوزه‌ی متفاوت اما مرتبط به هم هستند. در ژنوساید حکومت قصد از بین بردن یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی را دارد و به حذف فیزیکی آنها از هر روش ممکنی مبادرت می‌ورزد اما در پروسه‌ی آسمیلاسیون فرهنگی دولت‌ها طی برنامه‌های پیچیده و مدون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی به تهی سازی فرهنگی-نژادی یک گروه خاص ملی، قومی، نژادی یا مذهبی دست می‌زنند و سعی در جایگزینی فرهنگ مورد نظر خود را دارند. البته باید متذکر شد که اکثر دولت‌ها طی تاریخ حیات سیاسی خود از آسمیلاسیون فرهنگی به عنوان پروسه‌ی تکمیل کننده‌ی ژنوساید بهره جستند، به این معنا که بعد یا همزمان با ژنوساید به آسمیلاسیون فرهنگی بازماندگان می‌پرداختند. ژنوساید فرهنگی: برای اولین بار "رافائل لیکین" در سال ۱۹۴۴ میلادی این اصطلاح ترکیبی را به کار برد و طی نوشته‌های خود به بسط و گسترش آن پرداخته اما با تمام تلاش‌های صورت گرفته، این مفهوم درهیچکدام از بندهای کنوانسیون ژنوساید جای نگرفت، تا اینکه در ۱۹۹۴ میلادی نگارندگان پیش نویس "اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد در مورد حقوق بومی"، ماده‌ایی را تحت عنوان "ژنوساید فرهنگی" به آن افزودند تا تعریفی جهانی و فراگیر از "نسل کشی فرهنگی" بدست دهند تا راهی شود برای

پیشگیری از نابودی فرهنگ جوامع بشری، ماده‌ی ۷ این پیش نویس اعلام می‌دارد که: ۱. هرگونه اقدام سیستماتیک که منجر به محروم کردن یک گروه قومی، ملی، نژادی یا مذهبی از یکپارچگی‌شان شود و آنان را به عنوان مردمی متمایز نشان دهد، یا از ارزش‌های فرهنگی خود یا هویت‌های ملی-قومی شان دور نگه داشته شوند ۲. هرگونه اقدامی که هدف از آن خلع ید این مردمان از سرزمین‌ها، قلمروها و منابع‌شان باشد ۳. هر شکلی از انتقال جمعیت که با هدف تضعیف یا نقض هر یک از حقوق حقه‌ی این مردمان شود ۴. هر شکلی از همگون سازی یا ادغام با فرهنگ‌های دیگر و یا تحمیل هرگونه سبک زندگی بر این مردمان توسط قوه‌ی مقننه، ادارات دولتی و یا دیگر اقدامات مقدر ۵. هرگونه تبلیغی علیه آنان. جمله‌های مذکور نشان می‌دهند که از دیدگاه طراحان این پیش نویس "آسمیلاسیون فرهنگی" به عنوان بخشی از "ژنوساید فرهنگی" تعریف و در این پیش نویس جای گرفته است. اما تعاریف و تلاش برای ایجاد یک جبهه‌ی بین‌المللی علیه "ژنوساید فرهنگی" تنها در پیش نویس اعلامیه‌ی سازمان ملل ذکر گردید و نهایتاً در شصت و دومین جلسه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل - ۲۰۰۷ میلادی- پیش نویس مذکور اصلاح و تعاریف مربوط به آن - بند ۷ پیش نویس- حذف گردید. جذب: اصطلاحی که میزان پذیرش و تطابق با فرهنگ کشور مقصد را از سوی مهاجرین، سنجیده و مورد بررسی قرار می‌دهد. در جذب، مهاجر می‌کوشد که علاوه بر حفظ فرهنگ و هویت تاریخی خویش خود را با اجتماع و فرهنگ کشور مقصد هم‌نوا و هم‌ساز کند و در این راستا نیز حکومت با آموزش و ایجاد امکانات متناسب و لازم، فرد مهاجر را برای پذیرش و جذب در جامعه‌ی جدید آماده کند. در واقع جذب یک امر طبیعی در مورد زندگی مهاجرین می‌باشد و شخص مهاجر و نیز نسل آینده‌ی او علاوه بر حفظ فرهنگ و هویت تاریخی خود به تعامل با فرهنگ جدید نیز می‌پردازند. البته باید متذکر شد که در این میان امکان شکل گیری نوعی فرهنگ و هویت تلفیقی وجود دارد و یا اینکه میزان جذب آنچنان بالا باشد که یک ادغام کامل روی دهد و شخص کاملاً در فرهنگ و هویت تاریخی جدید جذب شود. در جذب حکومت‌ها در پی نابودی سیستماتیک و هدفمند فرهنگ، زبان و هویت تاریخی مهاجر نیستند.

## وضعیت بلاتکلیفی یک شهروند گیلانغربی

### بعد از ۱۱ سال از صدور حکم اعدام



سازمان حقوق بشر ایران در این رابطه اعلام کرده است: یحیا فیروزی در سال ۱۳۸۵ شمسی که تنها ۱۷ سال داشته است به اتهام همکاری در قتل بازداشت و طی پروسه محاکمه‌اش محکوم به اعدام می‌شود. فیروزی در دادگاه اولیه، به همراه برادرش به اتهام "همکاری در قتل" به ۱۵ سال زندان محکوم می‌شوند. اما بعداً و در دیوان عالی ایران اتهام مذکور به مشارکت مستقیم در قتل تغییر کرده و حکم اعدام برای یحیا فیروزی صادر می‌شود. خانواده‌ی فیروزی به علت

یک شهروند کُرد اهل شهرستان "گیلانغرب" که ۱۱ سال پیش در دادگاهی حکم اعدام گرفته است، تا به امروز در وضعیتی بلاتکلیفی قرار دارد. بنابر خبر رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، این شهروند کُرد، یازده سال پیش طی محاکمه در دادگاهی به اتهام "همکاری در قتل" به اعدام محکوم شد که تا به امروز این حکم اجرائی نشده و در وضعیتی بلاتکلیفی نگه داشته شده است. "یحیا فیروزی" اهل شهرستان گیلانغرب از توابع کرمانشاه و ۲۸ ساله، مشخصات فرد مذکور می‌باشد.



## کولبری سردشتی در پی شلیک مستقیم نظامیان حکومتی جان سپرد

و مدنی در کردستان به منظور حمایت از کولبران گرد و تحت فشار قرار دادن حکومت ایران، اقدام به راه اندازی طوفان توییتری کردند. این فعالین با انتشار فراخوانی در شبکه‌های اجتماعی از مردم کردستان خواسته بودند که برای حمایت از کولبران در این طوفان توییتری شرکت کنند. این طوفان توییتری با هشتک #KurdishLivesMatter طی روزهای یکشنبه و دوشنبه ساعت ۲۱ به وقت کرمانشاه راه اندازی شد.

در جریان کشته و زخمی شدن کولبران ۳ کولبر ۱۷ و ۱۶ ساله بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی کشته و زخمی شده‌اند. مورد شلیک قرار دادن کولبران گرد و کشتن آنان در حالی صورت می‌گیرد که بیشتر شهروندان گرد به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی، نبود فرصت‌های شغلی و بیکاری در مناطق گردنشین ایران، مجبور به کار کولبری می‌شوند و با خطر مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. در همین ارتباط فعالین سیاسی

از توابع سردشت مورد تیراندازی نظامیان حکومتی قرار گرفته‌اند. خبرنگار گردپا هویت کولبر جان باخته را "سیروان خانه‌خلی" اهل سردشت اعلام کرد. گفته می‌شود، نیروهای انتظامی بدون اخطار قبلی، این کولبران را هدف شلیک مستقیم قرار داده‌اند. با استناد به آمار ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبرسانی گردپا، در سال ۹۵ در مجموع ۱۵۴ کولبر کشته و زخمی شده‌اند که ۶۶ نفر از آنان کشته و ۸۸ تن دیگر زخمی شده‌اند.

شماره از کولبران گرد در سردشت هدف شلیک مستقیم نیروهای انتظامی حکومت ایران قرار گرفتند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی گردپا، روز چهارشنبه بیست و چهارم خردادماه، نیروهای انتظامی حکومت ایران گروهی از کولبران گرد را در سردشت هدف گلوله قرار داده‌اند که در نتیجه یکی از کولبران جان خود را از دست داده است. خبرنگار گردپا در سردشت گزارش داد: این کولبران در منطقه بیتوش

## نیروهای امنیتی به بازداشت‌های فله‌ای در

### کردستان ادامه می‌دهند

در همین رابطه نیز، خبرنگار گردپا در سردشت اعلام کرد: یکی از پزشکان سردشت به نام دکتر محمد خضری در محل کارش از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است. گزارشات ارسال به آژانس گردپا از بازداشت یک شهروند دیگر به نام "ابراهیم" در پیرانشهر خبر می‌دهند. همچنین خبرنگار گردپا در کرمانشاه هویت یکی از بازداشت‌شدگان شهرستان روانسر را "یاسر ولدبیک" ۳۴ ساله عنوان کرد. طی روزهای اخیر، نهادهای امنیتی حکومت ایران در کردستان ده‌ها تن

را در شهرهای سردشت، بوکان، پیرانشهر و روانسر در ارتباط با حملات تهران بازداشت کردند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی گردپا، طی چند روز اخیر، ده‌ها نفر در کردستان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان‌های نامعلومی منتقل گردیدند. خبرنگار گردپا در بوکان از بازداشت سه نفر خبر داد و هویت دو تن از آنان را "فتحی‌پور" و "محمدی" اعلام کرد. تا لحظه مخابره‌ی این خبر، از سرنوشت این سه تن اطلاعی در دسترس نیست.

نیروهای امنیتی چندین شهروند را در شهرهای سردشت، بوکان، پیرانشهر و روانسر در ارتباط با حملات تهران بازداشت کردند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی گردپا، طی چند روز اخیر، ده‌ها نفر در کردستان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان‌های نامعلومی منتقل گردیدند. خبرنگار گردپا در بوکان از بازداشت سه نفر خبر داد و هویت دو تن از آنان را "فتحی‌پور" و "محمدی" اعلام کرد. تا لحظه مخابره‌ی این خبر، از سرنوشت این سه تن اطلاعی در دسترس نیست.



## دو جوان گرد پس از بازداشت توسط اطلاعات سپاه به مکان نامعلومی انتقال یافتند

حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران حکومت ایران در میوان دو جوان گرد را بازداشت کردند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی گردپا، چند روز قبل، نیروهای اطلاعاتی وابسته به حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دو جوان گرد را در میوان بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. خبرنگار گردپا در میوان اعلام کرد: سرنوشت این دو جوان گرد پس از بازداشت توسط نیروهای اطلاعاتی نامعلوم و از محل نگهداری آنان اطلاعی در دسترس نیست. خبرنگار گردپا هویت این دو جوان

حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران حکومت ایران در میوان دو جوان گرد را بازداشت کردند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی گردپا، چند روز قبل، نیروهای اطلاعاتی وابسته به حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دو جوان گرد را در میوان بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. خبرنگار گردپا در میوان اعلام کرد: سرنوشت این دو جوان گرد پس از بازداشت توسط نیروهای اطلاعاتی نامعلوم و از محل نگهداری آنان اطلاعی در دسترس نیست. خبرنگار گردپا هویت این دو جوان

حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران حکومت ایران در میوان دو جوان گرد را بازداشت کردند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبرسانی گردپا، چند روز قبل، نیروهای اطلاعاتی وابسته به حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دو جوان گرد را در میوان بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. خبرنگار گردپا در میوان اعلام کرد: سرنوشت این دو جوان گرد پس از بازداشت توسط نیروهای اطلاعاتی نامعلوم و از محل نگهداری آنان اطلاعی در دسترس نیست. خبرنگار گردپا هویت این دو جوان

## KMMK-G

### خواستار تشکیل کمیسیون تحقیق برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران شد



در کردستان افزایش یافته است. تیمور الیاسی در پایان سخنان خود از شورای حقوق بشر سازمان ملل خواست که به دلیل نقض آشکار معاهدات بین‌المللی و نقض سیستماتیک حقوق بشر طی سی و هفت سال گذشته توسط حکومت ایران، کمیسیون تحقیقی را برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران تشکیل دهد. جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو اولین سازمان حقوق بشری می‌باشد که گزارش‌های مرتبط با نقض حقوق بشر در کردستان را به سازمان ملل و گزارشگر ویژه آن در امور حقوق بشر ایران ارائه می‌دهد.

توسط حکومت ایران اعلام کرد. تیمور الیاسی حکم زندان ناعادلانه محمد نظری و عثمان مصطفی‌پور را که به اتهام عضویت در احزاب گرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران بیش از بیست سال است در حبس بسر می‌برند، نشانه نقض آشکار منشور حقوق بشر سازمان ملل و آزادی بیان دانست. نماینده جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو در بخش دیگری از سخنان خود به وعده‌های روحانی به مردم کردستان اشاره نمود که تاکنون هیچ‌کدام از این وعده‌ها تحقق نیافته و برعکس شمار اعدام، شلیک مستقیم به کولبران و بازداشت شهروندان

نماینده جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو در سی و پنجمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل سخنانی را ایراد نمود. نماینده جمعیت حقوق بشر کردستان ایران - ژنو در این نشست به افزایش بازداشت شهروندان کرد و کشتار کولبران مرزی